از شر شیطان رانده شده به خدا پناه می برم

به نام خدا بخشنده مهربان

هدف از زندگی در دنیای فانی چیست؟

ماجرا به میلیاردها سال پیش برمیگردد ، در آن زمان یکــی از مخلوقــات رده بالای خدا، به نام لوسیفر (که بعدا ابلیس نامیده شد و بعــد از رانــده شــدن از درگاه خدا شیطان نامیده شد)، از روی خود خواهی این عقیده را پــرورش داد که غیر از خدا او هم میتواند بعنوان خــدایی مســتقل، ســلطنتی را بچرخانــد. ابلیس آن موقع یک ملائکه بود و سرپرست ملائکه های زیادی بود. لوسیفر بــه معنای ستاره صبح اســت. شــیطان در آن موقــع دارای قــدرت زیــادی بــود و نعمتهای زیادی به او داده شده بود. آنقدر زیبــا بــود کــه بــه او ســتاره صــبح میگفتند. ابلیس از این حقیقت که فقط خدای یکتا خصوصیات خــدا بــودن را دارد، غافل بود. خودخواهی و غرور او ر ا به چاله ای هولناک پرتاب کرد. اکثــر مخلوقات خدا با شیطان مخالفت کردند. به جز عده ای محدود از کســانی کــه

مغرور بودند با او موافقت کردند (حدود یک سوم از ملائکه های زیر دست شیطان با او موافق بودند). این مجادله در میان جمعیت بهشتی صورت گرفت و در قرآن هم به صورت ضمنی به آن اشاره شده است.

[۳۸:۶۹] ما کان لی من علم بالملا الاعلی اذ یختصمون
[۳۸:۶۹] "من پیش از این درباره نزاعی که در جامعه بالا درگرفت، هیچ دانشی نداشتم."

بعد از نافرمانی و شورش شیطان بر علیه خدا ، جنگ بزرگی در آسمان بالا شکل گرفت. فرشته های دیگر که نافرمانی خدا نکرده بودند به رهبری میکائیل و به فرمان خدا با شیطان و حزبش جنگیدند و شیطان و حزبش را به آسمان یکم کائنات هبوط دادند (اخراج کردند).شیطان و سایر ملائکه های دیگر که همراه او برعلیه خدا شورش کرده بودند، در زمانی که مطیع خدا بودند دارای چهره های زیبا و قدرت فراوانی بودند. شیطان و حزبش ، بعد از سقوط به آسمان دنیا و نافرمانی خدای یکتا ، زشت شدند.

همانطور که گفته شد به شیطان ستاره صبح می گفتند ، زمانی که او هنوز مطیع خدا بود. جادو گران و منجمان قدیم از ستاره صبح برای پیشگوییها استفاده میکردند. به علت اینکه آنها از غیر خدا (ستاره صبح) برای پیشگوئیها استفاده می نمودند ، شیطان هم ، آنچیزی را که می دانست به آنها القا میکرد و به این طریق آنان را برده خود می کرد. در زمانهای قدیم به شیطان و حزبش دیو میگفتند. دیو ها همان فرشته های رانده شده از درگاه خدای قادر متعال بودند. با این درگیری شیطان حماقت بزرگی از خود نشان داد. حماقت او تکبر

و غفلت او بود. مقام پروردگاری فقط شایسته خدای یکتاست. فقط اوست که می تواند جهان را اداره کند. فقط اوست که برهمه موجودات مسلط است و نیازهای آنان را برآورده میکند. شیطان احمق فکر میکرد که فرشته های زیر دستش را اداره میکند، غافل از اینکه او ، حتی برای یک ثانیه هم نمیتواند این کار را بکند. این تفکر شیطان ، کفر محض و ناسپاسی محض بود. خیلی از آدمیان هم این تفکر شیطانی را در خود پرورش داده اند. آنان که دارایی و مال دنیا جمع کرده اند فکر میکنند از خودشان است. در حالی که همه اش را خدا به آنها داده است ولی آنها براثر نادانی و غفلت آنرا به خود نسبت میدهند.

خدای قادر متعال شورش را به نحو احسن و رحیمانه حل کرد

نهایتا این جنگ بزرگ توسط خدای توانا حل شد ؛ به این طریق که به شورشیان فرصت توبه اعطا شد ، تا به ناسپاسی خود اعتراف کنند و دوباره تسلیم خدای یکتا شوند. خدا تصمیم گرفت تا شورشیان سرسخت را تبعید نماید، و باز هم فرصت دیگری به آنها بدهد تا دوباره به آغوش خدای مهربان در آیند. اگر شما مدعی باشید که میتوانید هواپیمایی را به پرواز در آورید، بهترین آزمایش این است که هواپیمایی را به شما بدهند و از شما بخواهند تا آنرا به پرواز در آورید. این دقیقاً همان کاری بود که خدا در پاسخ به ادعای شیطان که او میتواند خدا باشد، انجام داد؛ خدا او را نماینده موقتی در کره بسیار کوچکی به اسم زمین قرار داد. کره زمین نسبت به آسمان اول آنقدر کوچک است که اگر برگ کاغذی به بزرگی زمین داشته باشید و بخواهید نقشه آسمان اول را روی آن بکشید ، کره زمین از یک نقطه هم کوچکتر است و نمیتوان با چشم غیر مسلح آن را دید. تازه این فقط آسمان اول است. خدای

بزرگ شش آسمان دیگر هم آفریده است که هرکدام آسمانهای دیگر را احاطه کرده است. آسمان اول نسبت به آسمان دوم ، مثل یک نقطه است. و بر همین منوال خودتان برای آسمانهای دیگر حساب کنید. خدا شیطان را خدای موقتی نقطه بسیار ریزی به نام زمین قرار داده است. اما این نقطه از کائنات پـر شـده است از ظلم و ستم و فقر و قحطی و کثافت کاری. به این طریق تمام موجودات کائنات متوجه شده اند که فقط خدا شایسته خدابودن را داراست و خدا یکـی است.

[۲:۳۰] واذ قال ربک للملئکۀ انی جاعل فی الارض خلیفۀ قالوا اتجعل فیها من یفسد فیها ویسفک الدماء ونحن نسبح بحمدک ونقدس لک قال انی اعلم ما لا تعلمون

[۲:۳۰] به یاد آور که پروردگارت به فرشتگان گفت: "من نماینده ای (خـدایی موقت) در زمین قرار می دهم." آنان گفتند: "آیا می خـواهی کسـی را در آن قرار دهی که پلیدی را در آن رواج دهد و خون بریزد، و حال آنکه ما مدح تو را می سراییم، تو را تجلیل می کنیم و حاکمیت مطلق تو را ارج مـی نهـیم؟" او گفت: "من چیزی می دانم که شما نمی دانید."

واقعیت تاسف برانگیز

واقعیت تاسف برانگیز دیگری که انسانها مرتکب آن شده اند ایـن اسـت کـه آدمیان انسانهای زیادی را شریک خدا قرار داده اند. همانطور که عـرض شـد ، زمین نسبت به آسمان اول روی کاغذی به اندازه زمین حتـی یـک نقطـه هـم نیست . با این حال موجوداتی ریز تر از زمین به اسم عیسی ، محمد ، مـریم ،

علی ، فاطمه ، حسین و ... بت خیلی ها قرار گرفته اند. خیلی از مردم دعاهـای خویش را به این افراد ارائه میدهند تا آنان دعاهایشان را بــه خــدا برســانند. عیسی و محمد هم بشری بودند مثل سایر افراد . با کمال تاسف خیلی از مردم به جای اینکه خود مستقیم از خدا بخواهند ، از مقدسین خود می خواهند. این حیله کار شیطان است برای فریب دادن مردم و غافل کردن مردم از خدا.

منظور از خلیفه در آیه ۲:۳۰ ، شیطان است

در واقع عامل اصلی خونریزی شیطان است. شیطان است که قادر نیست کـره کوچکی به اسم زمین را اداره کند. بیماری ، فقــر ، جنــگ ، قحطــی و هــزاران مشکل دیگر ، نشان از بی لیاقتی شیطان دارد. شیطان بی لیــاقتی خــودش را دارد ثابت میکند. با این کار موجودات آسمانی دیگر هم بیشتر به خــدا ایمــان می آورند؛ زیرا آنها کنه و وجود و نیات باطنی شــیطان و حماقــت او را دارنــد مشاهده میکنند.

فرشتگان در جواب خدا اظهار کردند که چطور به شیطان این اختیــار را دادی در حالی که ما همیشه تورا تجلیل میکنیم. این نشان میدهــد کــه فرشــتگان انتظار داشتند آنها نماینده روی زمین باشند. فرشــتگان اظهــار داشــتند کــه شیطان خون میریزد و زمین را پر از فساد میکنــد. در ایــن جــا ممکــن اســت سوالی به ذهن خطور کند که :

این انسان است که خون میریزد نه شیاطین. اما در جواب شبهه ، آیه زیــر مــا راهنمایی میکند :

[۲۸:۱۵] ودخل المدینۀ علی حین غفلۀ من اهلها فوجد فیها رجلین یقتتلان هذا من شیعته وهذا من عدوه فاستغثه الذی من شیعته علی الذی من عدوه فوکزه موسی فقضی علیه قال هذا من عمل الشیطن انه عدو مضل مبین

[۲۸:۱۵] روزی او غیر منتظره وارد شهر شد، بدون آنکه مردم او را بشناسند. دو مرد را در حال نزاع دید؛ یکی از قوم خودش (عبری) و دیگری از دشمنانش (مصری) بود. کسی که از قوم خودش بود، علیه دشمنش از او کمک خواست. موسی مشتی به او زد و او را کشت. او گفت: "این کار شیطان است؛ او دشمنی است واقعی و گمراه کننده ای آشکار."

همانطور که در آیه بالایی میبینیم ، خدای قادر توانا منشا اصلی خونریزی و کشتن را به شیطان نسبت داده است و به این طریق متوجه می شویم که خلیفه در آیه ۲:۳۰ به شیاطین دلالت دارد.

در شورش بزرگ ، انسان نسبت به قدرت خدا بی تفاوت بود

کسانی که در آن شورش با شیطان موافقت کردند، به آنها فرصتی داده شد تا خود خواهی خود را از بین ببرند و تسلیم قدرت مطلق خدا شوند. اکثریت موجودات از این فرصت استفاده کردند اما عده بسیار کمی نتوانستند از این فرصت استفاده کنند و آن را از دست دادند.عده ای از آنان که در گروه انسانها دسته بندی شدند نسبت به دفع شیطان و پشتیبانی قدرت خدا هیچ عکس العملی نشان ندادند و به این طریق خود را وارد امتحان گسترده ای کردند. جمادات و آسمانها و کوهها و جانوران توبه کردند و از این فرصت استفاده کردند و به طرف خدا برگشتند. اما انسان می خواست که بیشتر شاهد ادعای

شیطان باشد و تردستی های شیطان را مشاهد کند.

[۳۳:۷۲] انا عرضنا الامانۀ علی السموت والارض والجبـال فـابین ان یحملنهـا واشفقن منها وحملها الانسن انه کان ظلوما جهولا
[۳۳:۷۲] ما بار مسئولیت (آزادی انتخاب) را به آسمان ها و زمـین و کـوه هـا عرضه کرده ایم، اما آنها بار این مسئولیت را نپذیرفتند و از آن ترسیدند. ولـی انسان آن را پذیرفت؛ او ستمکار بود، نادان.*

مجادله جمعیت بهشتی باعث شد تا مخلوقات خدا به گروههای مختلفی دسته بندی شوند.این مورد در آیه ۳۳:۷۲ هم ضمنی بیان شده است.زیرا که انسـان موقعیت خود نسبت به خدا را مشخص نکرد و همچنان در قـدرت خـدا شـک داشت و میخواست شاهد نمایش مغرورانه شیطان باشد. باید توجـه شـود کـه مخلوقات خدا همگی فرشته بودند. اما بعد از نافرمانی و شورش علیه خدا ، بـه چهار گروه تقسیم شدند. جنها همان فرشـتگان رانـده شـده از درگـاه خـدا هستند. انسانها هم ابتدا فرشته بودند ، اما بعد از عدم حمایت خدا ، در شورش بزرگ ، به مقام انسانی تنزل پیدا کردند.

رده بندی مخلوقات خدا

۱: فرشتگان

مخلوقاتی که هیچوقت نسبت به قدرت خدا شک نکردند و میدانستند که فقط خدای یکتای مهربان توانایی خدا شدن را دارد . اکثریت مخلوقات خـدا جـزو این دسته بودند. تعداد فرشتگان آنقدر زیاد است که هـیچکس بـه جـز خـدا

توانایی شمردن آنان را ندارد. حتی خود فرشتگان تعداد خود را نمیدانند. فرشتگان در آسمان به سر می برند و از نعمات خدا بهره می برند و از این که مطیع خدا هستند ، بسیار خوشنود هستند و به آن افتخار می کنند. آنان در خوشی کامل به سر می برند. انجام ماموریتهای خدای یگانه برای آنان لذت بخش است.

۲- جانوران و اشیاء

فرشتگان پیشنهاد کردند که شورش کنندگان از محوطه سلطنت خدا اخراج شوند (۲:۳۰) اما خدای مهربان به شورشیان فرصت دیگری داد تا به جنایت خود اعتراف کنند و به درگاه خدا توبه کنند (۳۳:۷۲).

اکثریت آنان از این فرصت استفاده کرده و توبه کردند آنها برای جبران خودخواهی و اشتباه خود (همکاری با شیطان) موافقت کردند تا که خودخواهی را در وجود خود خفه کنند و به این دنیا آمدند تا در نقش موجودات مطیع و فرمانبر بازی کنند. بنابراین جمادات ، حیوانات و سایر مخلوقات به جز انسان و جن مخلوقاتی تسلیم شده اند که برای جبران گناهانشان به این دنیا آمده اند. این نقش به طور ضمنی در آیات قرآنی بیان شده است. در عوض ایفای نقش موجودات مطیع در این دنیا، این موجودات به درگاه سلطنت جاودانی خدا بخشیده می شوند .تعداد موجوداتی که از کرده خود توبه کردند ، آنقدر زیاد است که به تنهایی در زمین جا نمی گرفتند ، به همین دلیل اکثریت این موجودات در محدوده آسمان یکم در ستاره ها و سیاره های مختلف جا گرفته

اند.

.

[۶:۳۸] وما من دابۀ فی الارض ولا طئر یطیر بجناحیه الا امم امثالکم ما فرطنـا فی الکتب من شیء ثم الی ربهم یحشرون

[۶:۳۸] تمام مخلوقات روی زمین و تمام پرندگانی که با بال های خـود پـرواز می کنند، جماعت هایی مانند شما هستند. ما در این کتاب* از بیان هیچ نکته ای، دریغ نکرده ایم. تمام این مخلوقات، نزد پروردگارشان احضار خواهند شد.

اسب، سگ، درختان، خورشید، ماه، ستارگان، کودکان فلج و عقـب افتـاده از جمله این مخلوقات خردمند هستند که به جنایت خود اعتراف کردنـد و توبـه کردند ، اما برای جبران کفر اولیه خود ، در این دنیا نقشی که خدا بـرای آنـان تعیین کرده است را بازی میکنند.این موضوع شاید برای خیلی از مـردم قابـل هضم نباشد. اما این یک واقعیت است که موجودات دیگر هم برای خود دنیایی دارند. با این تفاوت که دنیای آنان محدود است ، زیرا که آنان بـه طـور موقـت نقشی را ایفا میکنند. پیامبر سلیمان با مورچگان حـرف میزنـد . مورچـه هـا سلیمان و سپاهش را می شناسند. هدهـد بـرای پیـامبر سـلیمان خبـر مـی آورد(۲۷:۲۲)

این نشان میدهد که جمادات و حیوانات موجودات باشعوری هستند. اما آنـان برای جبران گناه خود و کشتن نفس خویش در این دنیا نقش موجوداتی مطیع را بازی میکنند.

[۲۲:۱۸] آیا درک نمی کنید که همه کس در آسمانها و زمین و خورشید و مـاه

و ستارگان و کوه ها و درختان و حیوانات و بسیاری از مردم، به خدا سجده می کنند؟ و بسیاری دیگر از مردم محکوم به فنا هستند. هر که را خدا سـرافکنده کند، هیچ کس او را گرامی نخواهد داشت. همه چیز بر طبق خواست خداست.

[۵۵:۶] ستارگان و درختان سجده می کنند.

اسب مغرور نیست .صاحب اسب میتواند هرکسی باشد. میتواند چـاق ، لاغـر، جوان ، پیر، فقیر، ثروتمند و ...باشد. خورشید هر روز طبـق چیـزی کـه خـدا برایش تعیین کرده است انجام وظیفه میکند. بدن انسان متعلق به زمین اسـت بنابراین ششها ، ریه ها و قلبها طبق امر خدای متعال به کار خود ادامه میدهند و در اجل مشخصی از کار خواهند افتاد. تعداد سایر جانوران بسـیار بیشـتر از انسانهاست . فقط تعداد مورچه ها را در نظر بگیرید. تعداد مورچه ها روی کـره زمین چند میلیارد برابر انسانهاست.

دایناسورها قبل از آمدن ما به زمین وجود داشتند زیرا این نقشه خـدای یکتـا بود و دایناسورها زمین را برای زندگی ما آماده کردند زیرا که اگر آنان نبودنـد زمین هم مثل مریخ غیر قابل سکونت بود و حالا هیچ درختی وجود نداشـت و نفت و ... هم موجود نبود .

۳- انسانها

سایر شورش کنندگان سرسخت و نادان از توبـه خـودداری کردنـد و تـرجیح دادند که شاهد نمایش ادعای مغرورانه شیطان باشند. این موجودات مغـرور از

فرصتی که خدا به آنها داد استفاده نکرده و توبه نکردند و به دو دسته تقسیم شدند. نیمی از آنان که کمتر به سمت شیطان گرایش داشتند به عنوان انسان دسته بندی شدند. اما انسانها نسبت به قدرت شیطان مقداری شک داشتند و نسبت به قدرت خدا کاملا مخالفت نشان ندادند. خودخواهی انسانها آنان را از توبه بازداشت. فرصتی که خدا به انسانها داد فرصت خیلی خوبی بود اما انسانها نتوانستند از آن استفاده کنند و این مورد به طور ضمنی در آیه ۳۳:۷۲ بیان شده است. در واقع انسان خودش خواست شاهد ادعای احمقانه شیطان باشد. احمقانه تر از کار شیطان ، شک انسان به کار خدا بود. از ماست که برماست.

غرور انسانها را از توبه بازداشت

نفس سرکش و اماره بود که انسان را از توبه بازداشت. غرور و نفس اماره ، انسان را از برگشت به سوی خدا بازداشت. به همین خاطر خدای قادر متعال دستور به مبارزه با نفس اماره داده است و فرموده است که نفسهای خویش را بکشید. ما انسانها باید نفس سرکش خویش را خفه کنیم. ما باید نقاط ضعف نفس خویش را شناسایی کنیم و در آن زمینه آن را سرکوب کنیم و آن را بکشیم. این تنها راه حل است. جای ریسک نیست. بدبختی بزرگی به اسم جهنم در انتظار همگی است. به هیچ وجه نباید ریسک کرد ، باید نفس اماره و سرکش را سرکوب نمود. ما باید اعمال صالح انجام دهیم ، تا نفس سرکش را بیشتر سرکوب کنیم.

۴- جنها

اما جنها بیشتر از انسانها به سمت شیطان گـرایش پیـدا کردنـد و بیشـترین خودخواهی را نشان دادند این گروه در دسته جنها دسته بندی شدند. جنها از همان بدو تولد به سمت شیطان تمایل دارند. نقشه خدا این بود کـه بـرای هـر انسانی که متولد میشود یک جن همنشین تعیین کند. جن همنشین نماینـده شیطان است و نماینده دیدگاه شیطان است.حزب شیطان به سـمت شـرک و خدایان متعدد فرا میخوانند.

[۵۰:۲۷] قال قرینه ربنا ما اطغیته ولکن کان فی ضلل بعید
[۵۰:۲۷] همزادش گفت: "پروردگار ما، من او را گمراه نکردم؛ او خودش بسیار گمراه بود."

در این دنیا به جنها و انسانها فرصت کافی داده میشود تا که دوباره همه چیز را مطالعه کنند و دوباره در تصمیم خود بازبینی انجام دهند. هرانسانی که به دنیا میاید ، همراه او هم یک جن متولد میشود و به عنوان همنشین انسـان عمـل میکند . طبق قرآن جنها فرزندان شیطان هستند.

[۱۸:۵۰] واذ قلنا للملئکة اسجدوا لاءدم فسجدوا الا ابلـیس کـان مـن الجـن ففسق عن امر ربه افتتخذونه وذریته اولیاء من دونـی وهـم لکـم عـدو بـئس للظلمین بدلا
[۱۸:۵۰] ما به فرشتگان گفتیم: "در برابر آدم سـجده کنیـد." آنهـا سـجده کردند، جز ابلیس. او به جن تبدیل شد، زیرا از فرمان پروردگـارش سـرپیچی کرد.* آیا او و نوادگانش را به جای من به سروری انتخاب می کنید، با آنکه آنها دشمن شما هستند؟ چه جایگزینی بیچاره کننده ای!

[۷:۲۷] يبنی ءادم لا يفتننكم الشيطن كما اخرج ابويكم من الجنۀ ينزع عنهما لباسهما ليريهما سوءتهما انه يركم هو وقبيله من حيث لا ترونهم انا جعلنا الشيطين اولياء للذين لا يؤمنون
[۷:۲۷] ای فرزندان آدم، نگذارید شیطان شما را نیز فریب دهد، همان طور که باعث اخراج والدین شما از بهشت و باعث درآمدن لباس هایشان شد، تا بدن هایشان را نمایان کند. او و طایفه اش شما را می بینند، در حالی که شما آنها را نمی بینید. ما شیاطین را همزاد کسانی قرار می دهیم که ایمان ندارند.

زمانی که جنی متولد میشود و برای انسان تعیین میگردد ، جن همنشین انسان باقی میماند ، تا زمانی که شخص بمیرد ، سپس جن آزاد میشود و چند قرن دیگر زندگی میکند . وظیفه اصلی جنها و انسانها پرستش خدای یکتاست تا که دوباره در محدوده سلطنت خدای قرار گیرند.

[۵۱:۵۶] وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون
[۵۱:۵۶] من جن ها و انسان ها را نیافریدم مگر آنکه فقط مرا بپرستند.

جنها ملائکه های رانده شده از درگاه خدایند

جنها یا همان دیوها (در زبان فارسی) نماینده های شیطانند. خدا ملائکه های خویش را برای کمک ما میفرستد. از جمله تقسیم رزق و روزی و بارش باران و هزاران کمک دیگر و کمکهای خاصه برای مومنین. شیطان هم نماینده های خویش را میفرستد تا ما را گمراه کنند. نماینده های شیطان بعضی مواقع چشمه هایی از خود نشان می دهند تا مردم را به خود جذب کنند. مثلا بعضی

حوادث آینده را از طریق رمالها و دعانویسها اجرا میکنند تا مردم فکـر کننـد که دعانویسها از طرف خدا کار میکنند و در نتیجه جذب دعانویســی و رمـالی شوند. شیاطین میخواهند کاری کنند که مـردم بـه جـای خـدا ، از مقدسـین خویش طلب کمک کنند.

شیطان سربازان نامرئی خدا را می بیند

در جنگ بدر شیطان به کمک مشرکین آمده بـود . او اعمـال مشـرکین را در نظرشان زیبا جلوه می داد ، غرور کاذب به نفس آنان تزریق میکرد. اما خدا هم ملائکه هایش را برای کمک مومنین فرستاد. شـیطان سـپاه خـدا را دیـد. مـا انسانها ملائکه را نمی بینیم، اما شیطان آنها را می بیند. شیطان به محض دیدن ملائکه از صحنه گریخت و مشرکین را تنهـا گذاشـت. در واقـع وعـده هـای شیطان کلا دروغ است. او دوست مشرکین نبود ، بلکه او نمیخواهد به تنهـایی وارد جهنم شود. او از سر کینه و عداوت میخواهد کل انسانها را بـا خـود وارد جهنم کند.

۸:۴۸

شیطان اعمالشان را در نظرشان زیبا جلوه داده بود و گفت: امروز کسی نمی تواند شما را شکست دهد من همراه با شما خواهم جنگید. ولی به محض آنکه دو سپاه با هم روبرو شدند، او عقب گرد کرد و گریخت، می گفت: من شما را طرد می کنم. من چیزی می بینم که شما نمی بینید. من از خدا می ترسم. عذاب خدا هولناک است.

شیطان یک دروغگوی واقعی است

[14:22] و پس از آنکه حکم صادر شد، شیطان خواهد گفت:خدا به شما وعده داده است، وعده‌ای حقیقی و من هم به شما وعده دادم، اما من به وعده‌ٔ خود وفا نکردم. من هیچ قدرتی بر شما نداشتم؛ من فقط شما را دعوت کردم و شما دعوت مرا پذیرفتید. بنابراین، مرا سرزنش نکنید، فقط خود را سرزنش کنید. نه شکایت من به شما کمک می کند و نه شکایت شما به من. من باور نکرده‌ام که شما مرا شریک قرار دادید. ستمکاران سزاوار مجازاتی دردناک شده‌اند.

متاسفانه ما خودمان راه را برای نفوذ شیطان هموار میکنیم

این ماییم که نشانی های ذهن خویش را برای شیطان تعریف می کنیم. این خود ماییم که نقطه ضعفهایمان را برای شیطان افشاء میکنیم. این ماییم که دروازه ذهنمان را برای شیطان باز می کنیم. برای نمونه یک مثال ذکر می کنم. پیرمردی یک شتر داشته است ؛ یک روزی شترش را گم می کند. هراسان دنبال شترش می گردد ، به هر کی میرسه ، مشخصات شترش را می گوید. زیر گردن شتر یک خال بزرگ بوده است. یک فرد شیاد مشخصات پیرمرد را به ذهن می سپرد و این فرد شیاد با مشخصاتی که از پیرمرد اخذ کرده بود ، زودتر از پیرمرد شتر را جستجو و پیدا کرد و به این طریق فرد شیاد شتر پیرمرد را بدست آورد و پیرمرد بیچاره شترش را برای همیشه از دست داد. شیطان هم مثل آن فرد شیاد عمل میکند. او دنبال کلیدهای ذهنی و نقطه

ضعفهای ما انسانها می گردد. ما نباید نقطه ضعف از خود نشان دهیم. مثلا با نگاه ناپاک به نامحرم ، نقطه ضعف و نشانی خود را به جن همزاد گفته ایم. با افکار نامتناسب و شیطانی ، دروازه ذهن خویش را برای شیطان باز کرده ایم. ما باید با شیطان مثل یک دشمن سرسخت رفتار کنیم و به هیچ عنوان کوچکترین بهانه و نشانه ای دستش ندهیم.

چطوری خود را از شر شیطان حفظ کنیم؟

[7:200] هنگامی که شیطان تو را وسوسه کند، هر وسوسه ای، به خدا پناه ببر؛ اوست شنوا، دانای مطلق.

[7:201] کسانی که پرهیزکارند، هرگاه شیطان با ایده ای به آنها نزدیک می شود، به یاد می آورند و در اثر آن بینا می شوند.

فقط یک خدا وجود دارد

شیطان ادعای خدایی کرد و این ادعا باعث نزاع بزرگی در آسمان بالا شد. خدای قادر مطلق، مهربان و رحیم و رحمان است نسبت به مخلوقاتش. او به بندگانش ظلم نمی کند. او بین بندگانش به درستی قضاوت می کند. او به بندگان کافر خویش هم رحم میکند و به آنان رزق و روزی می دهد. اما شیطان نتوانست یک حرف خدا را تحمل کند و زود برآشفت. او به وسیله رشوه و شیوع کارهای کثیف ، بندگانی برای خود پیدا کرده بود. همانطور که در این دنیا هم بوسیله شیوع مسائل غیراخلاقی ، دزدی ، زنا ، رشوه ، قتل ؛ طرفدار

جمع کرده است. خدا بودن فقط شایسته خدای قادر متعال است. کسی که بر همه چیز آگاه است. کسی که تمام کائنات را آفریده است. کسی که درد دل و سوالات همه بندگانش را میشنود و به آنها پاسخ میدهد. کسی که نیازهای بندگانش را فراهم می آورد. اما شیطان غیر از کثافت کاری چه کار دیگری کرده است؟

شیاطین و اجنه دشمن سرسخت انسانها هستند

شیطان خوب میداند که نهایتا وارد جهنم خواهد شد ، به همین خاطر تلاش میکند که دیگران را هم با خودش به آن جا بکشاند. معمولا کسی که بیماری ایدز دارد ، دوست دارد که دیگران هم دچار آن شوند . این خصوصیت از شیطان به او وسوسه شده است. زیرا شیطان آنقدر توی منجلاب و کثافت غرق شده است که مثل دیوانه ها میخواهد همه را با خودش به جهنم بیندازد. به همین خاطر خدای قادر متعال بزرگترین دشمن بشریت را شیطان معرفی نموده است.

[35:6] شیطان دشمن شماست، پس مانند یک دشمن با او رفتار کنید. او فقط حزب خود را دعوت می کند تا از ساکنان دوزخ باشند.

در آیه بالایی خدای مهربان اطلاع داده است که شیطان دشمن ماست . در عین حال گفته است که شما هم دشمن او باشید. این یک حقیقت آشکار است که "شیطان دشمن ماست" و این به تنهایی کفایت نمی کند بلکه ما هم باید دشمن او باشیم. یعنی دشمنی با شیطان باید دو طرفه باشد.

انسان اشرف مخلوقات نیست

متاسفانه عده زیادی از مسلمانان از انسان به عنوان اشرف مخلوقات یاد می کنند. این در واقع همان خصلت شیطانی است که به مسلمانان هم سرایت کرده است. شیطان هم خود را بالاتر از همه میدانست ،به همین دلیل با کله سقوط کرد. زمانی که آدم و حوا توی بهشت بودند ، شیطان آنان را به نزدیک شدن به درخت ممنوعه ترغیب می کرد و به آنان وعده فرشته شدن می داد. در واقع اگر انسان فرشته بود ، وضعش این نبود . همه داریم می بینیم که انسانها چطوری توی گناه غرق شده اند.

[7:20] شیطان آنها را وسوسه کرد، تا بدن هایشان را که بر آنها پوشیده بود، نمایان کند و گفت: "پروردگارتان فقط به این دلیل شما را از این درخت منع کرد، که شما را از فرشته شدن و دست یافتن به حیات جاودان بازدارد.

جهان به خاطر پیامبر آفریده نشده است

متاسفانه عده زیادی از مسلمانان در این توهم به سر می برند. آنان فکر می کنند که خدا جهان را به خاطر پیامبر محمد آفریده است. در حالی که اگر می دانستند که چرا انسانها به این جهان پست آمده اند ، این حرفشان را پس می گرفتند. البته برای کارشان ، حتی حدیث هم دارند. خدا صراحتا در قرآن میفرماید که جنها و انسانها را برای پرستش دوباره خدا آفریده است. زیرا بعد از آن نزاع و شورش آسمانی ، جنها و انسانها ، خدا را از دست دادند و خود را به پایین انداختند. به همین خاطر خدا فرصت دیگری به آنان داد ، تا دوباره با

پرستش دوباره خدا ، دوباره به بهشت و سرزمین جاوید خدا برگردند.

[۵۱:۵۶] وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون
[۵۱:۵۶] من جن ها و انسان ها را نیافریدم مگر آنکه فقط مرا بپرستند.

کتابهای حدیث و سنت وحی شده از طرف شیاطین هستند. اگر خدا را دوست دارید ، با کسی تعارف نداشته باشید و از کسی هم نترسید. صراحتا و با جرات کتب حدیث و سنت را رد کنید و به کتاب آسمانی قرآن اکتفا کنید.

فرشتگان هم دارای اختیار کاملند

بعضی از مسلمانان طبق احادیثی که در کتب خود دارنـد ، فکـر میکننـد کـه فرشتگان دارای اختیار نیستند ، معلوم نیست که این تفکـرات از کجـا آمـده است ، شایسته است که آدمی کمی خجالت بکشد از دروغ بستن به دین خدا. جر و بحثی که در میان جمعیت بهشتی در گرفت ، همانطور که در بالا گفته شد ، ثابت میکند که آفریده های خدا دارای اختیار کامل هستند . شورش تعدادی از آنان این حقیقت را به اثبات رساند که موجودات خدا دارای اختیار هستند و به این دلیل به خدای مهربان خدمت میکنند که آنها از قـدرت و عظمـت بـی پایان خدا قدردانی میکنند. بدون آن جرو بحث بهشتی و شورش ، ما هیچوقت نمیفهمیدیم که آزادی بزرگترین هدیه خداست به تمام مخلوقاتش.

نقشه خدای رحمان و رحیم

چون انسانها و جنها طرفدار شیطان شدند و همچنین پیشنهاد خدا را در بـاره

بازبینی در اعمال خود رد کردنـد، فرشـتگان انتظـار داشـتند کـه شـیطان و دوستانش از درگاه خدای قادر توانا برای همیشه تبعید شوند و ایـن مـورد در آیه ۲:۳۰ به طور ضمنی بیان شده است. امـا خـدا رحمـش بسـیار بیشـتر از اینهاست و فرصت مناسب دیگری به ما داد تا که دوباره او را انتخـاب کنـیم و شریک برای او قرار ندهیم. از همین جا مقدار رحمت خدا مشخص میشود. چه کسی مهربانتر از خداست؟ قرآن با بسم الله الرحمن الرحیم شروع میشود. خدا بیشتر روی صفت رحمانیت خود تاکید دارد. زیرا بودن ما در این دنیا حـق مـا نیست . بلکه خدا به ما رحم کرده و فرصت دیگـری بـه مـا داده اسـت. خـدا میتوانست از همان اول ما را نابود کند. در این جا خالی از لذت نیست که یکـی از معجزات قرآن را یادآوری کنم. آن هم معجزه ریاضی قرآن است. سوره های قرآن با عبارت "بسم الله الرحمن الرحیم" شروع میشوند. بیایید تعداد چهـار کلمه "بسم" ، "الله" ، "الرحمن" ، "الـرحیم" را در کـل قـرآن جسـتجو کنیم.

تعداد کلمه اسم : ۱۹
تعداد کلمه الله :۲۶۹۸ مساوی است با ۱۹* ۱۴۲
تعداد کلمه الرحمن : ۵۷ مساوی است با ۱۹*۳
تعداد کلمه الرحیم:۱۱۴ مساوی است با ۱۹* ۶

همانطور که میبینید تعداد هر چهار کلمه در کل قرآن ضریب نوزده است. ایـن فقط ، یکی از هزاران رابطه ریاضی نوزده است که خـدا در قـرآن آن را نهـاده است. کسانی که معجزه ریاضی نوزده را رد میکنند بدون این که خـود بداننـد طبق نقشه شیطان پیش میروند و در دام شیطان افتاده اند.

آفرینش مرگ و زندگی

خدای مهربان جهت انجام این نقشه رحیمانه ، مرگ را آفرید. جالب است که در آیات زیر ابتدا گفته شده مرگ بعد زندگی ، و این خود نکته جالبی در آن نهفته است.

[۶۷:۲] الذی خلق الموت والحیوۀ لیبلوکم ایکم احسن عملا وهو العزیز الغفور یکتایی که مرگ و زندگی را به این دلیل آفرید تا در میان شما کسانی را که بهتر عمل می کنند، مشخص نماید.* اوست صاحب اقتدار، عفوکننده

نقشه خدا اینگونه بود که شورشیان به دنیای دیگری وارد شوند، جایی که از مشاجره بهشتی و نقش قبلی خویش هیچ چیزی به یاد نداشته باشند. هم انسانها و هم جنها پیام خدا و پیام شیطان را دریافت میکنند و مختارند که هرکدام را انتخاب کنند. آنان یا به درگاه جاودانه و پر از نعمت خدا بخشیده میشوند یا این که برای همیشه با شیطان در زجر به سر میبرند. در اینجا لازم بود که خدا اختیاراتی را به طور موقت به شیطان بدهد ، زیرا که جهت آزمایش این مورد لازم بود. والبته آن به این معنا نیست که خدا برای خود رقیب انتخاب کرده است. بلکه خدا آزمایش را اینطوری طراحی کرده است و البته در اصل خود انسانها و جنها این را خواستند. بنابراین شیطان خدایی در کنار خدای یکتا نیست بلکه فقط خدای گناهکاران است. اختیارات موقتی به او داده شده است تا که ما برضد او عمل کنیم. در حققیقت ما از پرستش شیطان منع شده ایم.

[۳۶:۶۰] الم اعهد الیکم یبنی ءادم ان لا تعبدوا الشیطن انه لکم عدو مبین
[۳۶:۶۰] ای فرزندان آدم، آیا من با شما عهد نبستم که شـیطان را نپرسـتید؟ که او سرسخت ترین دشمن شماست؟

[۳۸:۸۵] لاملان جهنم منک وممن تبعک منهم اجمعین
[۳۸:۸۵] "من دوزخ را با تو و تمام کسانی که از تـو پیـروی مـی کننـد، پـر خواهم کرد."

سلطنت موقتی شیطان

سلطنت موقتی شیطان در مقابل سلطنت الـرحمن نقشـه خداسـت. خـدا بـه شیطان فرصت داد تا که در قلمرو زمین به ادعای خود بپردازد.و انسـانها هـم فرصت دارند تا که در این قلمرو نظر خود درباره شـیطان را تغییـر دهنـد و از پرستش شیطان پشیمان شوند.در خلال قرآن شیطان در مقابل الـرحمن ذکـر شده است زیرا که شیطان بر علیه الرحمن شورش کرد.

[۱۶:۵۱] وقال الله لا تتخذوا الهین اثنین انما هو اله وحد فایی فارهبون
[۱۶:۵۱] خدا اعلام کرده است: "دو خدا را نپرستید؛ فقط یک خدا وجود دارد. تنها هیبت و حرمت مرا ارج نهید."

[19:44] " ای پدر من، شیطان را پرستش نکن. شیطان علیـه آن بخشـنده ترین شورش کرده است.

مسئولیت این زندگی برعهده خود ماست

مسئولیت این زندگانی فناپذیر برعهده خود انســان اســت. در واقــع رنجهــا و زحماتی که انسان در این زندگی متحمل میشــود ، نتیجــه ســرپیچی خــودش است. خدا عادل است و به بندگانش ظلم نمی کند. بلکه شورش اولیه باعث شد که ما وارد این دنیای پست شویم. به همین خاطر خدا میفرماید که ما انسان را آفریدیم تا متحمل سختی و رنج شود. متحمل سختی شود تــا خــود را از ایــن منجلاب نجات دهد. ما انسانها خود این روش را انتخاب کردیم. ما انسانها خود مسئول این همه رنج و زحمت هستیم. به همین خاطر یکی فقیر اســت ، یکــی غنی است . هر انسانی مسئول اعمال خویش است.

[90:4] لقد خلقنا الانسن فی کبد
ما انسان را آفریدیم تا سخت کار کند.

خدا خودش طبق حکمت خود بهترین موقعیت ها را بــرای هــر کــس انتخــاب نموده است. بنابراین کسی که مادرزادی فقیر یا کور است ، نبایــد شــکایتی از خدا داشته باشد که چرا او فقیر و یا کور است!. زیرا این بهترین موقعیت بــرای اوست تا بتواند به طرف خدا برگردد. شاید اگر او ثروتمند میبود ، نمیتوانســت به طرف خدا برگردد. بنابراین اتفاقــات مــادرزادی و غیــر مــادرزادی ، تمامــا مسئولیتش برعهده خودماست و این بهترین موقعیتی است کــه میتوانســتیم داشته باشیم.

[95:4] لقد خلقنا الانسن فی احسن تقویم

ما انسان را در بهترین طرح و موقعیت آفریدیم.

تمام عذابها و رنجها نتیجه اعمال و تفکرات خود انسان است.

بنابراین انسانها با توجه به رحمت بی پایان خدا با بهترین طرح و نقش آفریده میشوند تا بتوانند برای آمرزش خویش در آن موقعیت تلاش کنند. بنابراین موقعیتهای مادرزادی ظلم به بندگان نیست ، بلکه رحمت است. کسی که پدر ثروتمندی دارد و یا کسی که پدر فقیری دارد ؛ خدای عالمیان به هیچکدام ظلم ننموده است ، بلکه بهترین موقعیتها را به هر کدام داده است. زیرا خدا از هرکسی بهتر به نفس آدمیان آشنایی دارد و او میداند که چه کسی در چه موقعیتی باید باشد تا بتواند به طرف خدا برگردد. کسی که در موقعیت فعلی نتواند به طرف خدا برگردد ، در هیچ موقعیت دیگری هم نخواهد توانست به طرف خدا برگردد.

[42:27] اگر خدا روزی بندگانش را افزایش می داد، آنها در روی زمین از حد خود تجاوز می کردند. به این دلیل است که او آن را به میزان دقیقی برای هر کس که بخواهد، می فرستد. او کاملاً بر بندگانش آگاه و بیناست.

رنجها ی مادرزادی

تمام رنجها و عذابهای مادرزادی نتیجه شورشی است که قبلا انجام شده است . خدای رحمان و رحیم بهترین موقعیتها را برای هرکس انتخاب نموده است تا آن فرد در آن موقعیت بتواند و امکانش را داشته باشد تا به طرف خدا برگردد. اگر در این موقعیت به طرف خدا برنگردد ، دیگر با او کاری نمیتوان کرد و این

فرد به هیچ وجه شایستگی بهشت را ندارد و او به جنهم سقوط میکند. اگر این فرد دوباره متولد شود و موقعیتهای دیگری به او داده شود ، باز هم نمیتواند به طرف خدا برگردد زیرا خدا خودش میداند که چه کار میکند.

رنجهای غیر مادرزادی

اما رنجها و عذابهایی که آدمی بعد از تولد دچارش میشود ، نتیجه اعمال خـود انسان است. مثلا کسی خانه اش را از دست میدهد و یا دچار بیماری میشـود و ... همه این عذابها و رنجها ، نتیجه و ماحصل کار و تفکرات خود انسـان اسـت. هر وقت انسان به تفکرات و وسوسه های شیطان عمل کند دچار سختی در این دنیا خواهد شد. ایوب پیامبر دچار مریضی میشـود و سـخت بیمـار میشـود. بیماری او از طرف شیطان بوده است. هر چند باور ایـن مـورد بـرای خیلـی از مسلمانان سخت است. ولی واقعیتش ایـن اسـت کـه ایـوب فـرد مسـلمان و یکتاپرستی بود. او یک پیامبر بود. اما با این وضع از تفکرات شـیطان در امـان نماند. و شیطان با نفوذ در تفکرات او ، او را مریض کـرد. ایـوب خـودش ابتـدا متوجه نشد که چرا مریض شده است. اما خوشبختانه ایوب در اثنـای بیمـاری متوجه موضوع شد. او متوجه شد که این بیماری ابتداءا از طـرف خـدا نبـوده است. حتما و صددرصد در جایی از تفکراتش برای شیطان نـرمش نشـان داده است ، به همین خاطر مریض شده است. به همین خاطر توبه کـرد و از خـدا در خواست کمک کرد. او متوجه اشتباه خودش شد و توبه کرد و به طـرف خـدای قادر متعال برگشت.

[38:41] به یاد آور بندهٔ ما ایوب را. او پروردگارش را صدا کرد: "شیطان

مرا به درد و رنج دچار کرده است."

خدا زمانی ایوب را نجات داد که ایوب به اشتباه خودش ، پیش خدا اعتراف کرد و توبه کرد. من دقیقا نمی دانم گناه او چه بوده است. اما فکر میکنم که اشتباه و گناه او فکری بوده است. اما بعد از توبه ، خدا مریضیش را شفا میدهد و چندین برابر قبل ، ثروت و مال و منالش را به او برمیگرداند.

مثالی دیگر

یونس پیامبر بعد از ترک قومش (بدون اذن خدا) ، دیگر در حوادث زندگی شانس نمی آورد و مشکلات زیادی برایش پیش می آید. وارد کشتی میشود و ناگهان طوفان شروع میشود. سرنشینان کشتی به اعتقاد خویش عمل میکنند و فکر میکنند که باید یک نفر به عنوان قربانی به آب انداخته شود تا دریا آرام گیرد. قرعه می اندازند ، یونس انتخاب میشود. چون یونس آدم متشخصی بوده است ، سه بار قرعه می اندازند تا که بلکه یکی غیر از یونس انتخاب شود. اما هر سه بار یونس انتخاب میشود! یعنی باید یونس انتخاب میشد؛ زیرا خدا انتخابش کرده بود. این نتیجه کار خود یونس بود. این انتخاب ، نتیجه گناه یونس بود. یونس بدشانسی نیاورده بود. بلکه نتیجه کار خودش بود. بعضی از مردم فکر میکنند که حوادث بد در زندگی نتیجه بدشانسی است. در واقع این اشتباه بزرگی است. همه چیز و همه حوادث نتیجه کارها و اعمل و نیات خودمان است.

چه وقتی خدا عذاب را برمیدارد

یونس در داخل دریا انداخته میشود و وارد شکم ماهی بزرگی میشــود. یــونس در داخل شکم ماهی ، یعنی در حین عذاب ، به اشتباه خود پی مــی بــرد و بــه اشتباه خود اعتراف میکند. در واقع او علاوه بر توبه به اشتباه خویش پی برد و اعتراف هم میکند. به همین خاطر خدا او را نجات میدهد.

توبه نصوح = توبه + پی بردن به گناه و اعتراف به آن پیش خدا

در حقیقت توبه نصوح توبه ای است همراه با پی بردن به گناه و اعتراف بــه آن پیش خدا. یعنی توبه تنها کارساز نیست. فرد باید فکر کند و بداند که گناهش چیست و پیش خدا به آن اعتراف کند. این را هر انســانی میدانــد. کســی کــه بگوید: من نمیدانم چرا خدا این بلا را بر سرم نازل کرده است ، دروغ میگویــد. هر کسی به نفس خویش کاملا آگاه است.

[75:14] بل الانسن علی نفسه بصیره
انسان قاضی خود خواهد بود.

بیایید خودمان را در جای یک قاضی عادل قرار دهیم و کارهای نفس خویش را قضاوت کنیم. باید عادلانه قضاوت کنیم و از گناهانمان توبه کنیم. در این حالت توبه ما یک توبه نصوح خواهد بود و خدا هم رنجها و سختی هــا و عــذابها را از سرمان برخواهد داشت.

ای انسانها محض خاطر خودتان ایمان بیاورید

بعضی از مردم با انجام کارهای خوب ، سر خدا منت می گذارند. غافل از اینکه خدا بی نیاز مطلق است. او فقط دارد به ما رحم می کند. او دوست ندارد که ما به جهنم برویم. خدا زیباترین و بهترین کسی است که ما می توانیم به او دل ببندیم . ما باید با جان و دل خویش ، خدا را دوست داشته باشیم و علیه دشمن خدا یعنی شیطان شورش کنیم.

[39:7] اگر کافر شوید، خدا به کسی نیاز ندارد. اما او دوست ندارد ببیند که بندگانش تصمیم اشتباه بگیرند. اگر تصمیم بگیرید که سپاسگزار باشید، او برای شما خوشنود است. هیچ نفسی بار گناهان نفس دیگری را بر دوش نمی گیرد. سرانجام، بازگشت شما به سوی پروردگارتان است، سپس او شما را از آنچه کرده بودید، مطلع خواهد کرد. او از درونی ترین افکار شما کاملاً آگاه است.

انسانها تحت نام ادیان الهی به شورش علیه خدا ادامه می دهند

یهودیت :

[3:181] خدا سخنان کسانی را که گفتند: "خدا فقیر است و ما غنی،" شنیده است. ما تمام گفتارشان را ضبط خواهیم کرد، همانطور که کشتن غیر عادلانهٔ پیامبران را ضبط کرده ایم و خواهیم گفت: "ازعذاب دوزخ رنج ببرید.

مسیحیت:

خدا در سه اقنوم مختلف به سر میبرد . پدر ، پسر ، روح القدس ؛ به این طریق آئین مسیحیت با اختراع تثلیت، ریشه آموزه های پیامبر عیسی را از بیخ زده است.

اسلام:
محمد بهترین پیامبر است! ؛ اختراع کتب حدیث و سنت ؛ استفاده از قرآن فقط برای مسابقات قرآنی و حفظیات ؛ اختراع افسانه شفاعت و توسل و هزاران گمراهی دیگر. دینی که مسلمانان در حال حاضر اجرا می کنند ، شباهتی به اسلام قرآنی ندارد.

ملل مؤمن در رفاه و خوشبختی به سر می برند

[10:98] به هر جامعه ای که ایمان بیاورد، بدون شک به خاطر ایمانش پاداش داده خواهد شد. برای مثال، قوم یونس: هنگامی که ایمان آوردند، آنان را از عذاب خوارکننده ای که در این دنیا از آن رنج می بردند، رهایی دادیم و آنان را مرفه و خوشبخت گرداندیم.

آدم و حوا

خوب حالا به اصل مطلب برگردیم . بعد از اینکه شورش توسط خدای مهربان به بهترین نحو حل شد ، بدن اولین انسان در زمین شکل گرفت.سپس خدا اولین شخص یعنی آدم را برای آن بدن تعیین نمود . خدا به فرشتگان از جمله ابلیس دستور داد تا که در طول آزمایش در زمین به انسانها خدمت کنند.

فرشتگان با هدایت بادها و تقسیم بـاران و رزق و روزی و ..... بـه مـا خـدمت خواهند کرد. ابلیس تنها کسی بود در این مورد امتناع کـرد و صـراحتا اعـلام کرد که هیچگونه خدمتی به نسل انسان نخواهد کرد . در این جا سجده کـردن به معنای خدمت کردن است.

[۷:۱۱] ما شما را خلق کردیم، سپس بـه شـما شـکل دادیـم، پـس از آن بـه فرشتگان گفتیم: "در مقابل آدم سجده کنید." آنها سجده کردند، جز ابلـیس (شیطان)؛ او با سجده کنندگان نبود.

همسر آدم از آدم درست شد و خدا دومین انسان را برای آن بدن تعیین کـرد. درحالی که بدن خالی از روح (فقط جاندار) آدم و حوا روی کره زمین بـود روح آنان (یعنی شخص اصلی) در بهشت اقامت داشت. آدم و حوا در بهشت ماندند تا وقتیکه از فرامین و دستورات خدا اطاعـت میکردنـد. هنگامیکـه آنـان بـه شیطان گوش دادند طبیعت سراسر پر از عیـب انسـان بـر مـا نمـودار شـد و بلافاصله متعلق به سلطنت شیطان در زمین شدیم .

خدا بشر را بدون مقدمه مورد آزمایش قرار نداد. برای کمک به مـا انسـانها در آخرین فرصت در فطرت همه ما پرستش تنهـا خـدا قـرار داده شـده اسـت. بنابراین ما برخلاف جنها خداپرست به دنیـا میـاییم .بـه جنهـا ایـن فطـرت خدادادی اعطا نشده است ، اما در عـوض بـه آنـان عمـری بسـیار طـولانی و قدرتهای زیادی اعطا میشود و همچنین میتوانند سرتاسر آسمانی که ما در آن هستیم را مطالعه کنند. از آنجاییکه آنان نماینده های شیطان هستند ، طبیعت ذاتیشان بیشتر به سمت شرک است.

دعانویسها و رمالها:

در زمانهای قدیم به اجنه و شیاطین دیو میگفتند. جادوگران و دعانویسها تمام دعاهایشان را از شیاطین اخذ میکردند و میکنند. شیاطین به آنان وحی میکنند. رمالان و جادوگران به جنها و شیاطین میگفتند "از ما بهتران". زیرا دقیقا طبق نقشه شیطان پیش میرفتند. زیرا شیطان فکر میکرد از بقیه بهتر است. او فکر میکرد که از آدم برتر و سرتر است.

به گفته خدای متعال ، شیاطین و اجنه از غیب خبر ندارند و همچنین اجازه ندارند که از آسمانهای بالاتر استراق سمع کنند. اما چیزهایی میدانند که انسانها را براحتی سرکار میگذارد. مثلا شیطان قبل از انسانها به اهمیت نوزده در قرآن پی برده بود ، البته او معجزه نوزده را نمی دانست ، اما با توجه به آیه ۷۴:۳۰ متوجه شده بود که نوزده رازی بزرگ است در قرآن؛ زیرا صد سال پیش یکی از رسولان شیطان، فرقه ای به اسم بهائیت ابداع کرد و در آن نوزده به عنوان عدد مقدس ذکر شده بود. این حیله شیطان بود برای خراب کردن معجزه نوزده در قرآن. زیرا با وجود مزخرفات رئیس فرقه بهائیت ، خیلی از مسلمانان با همین بهانه معجزه نوزده را رد میکنند. و این دقیقا همان طرح و نقشه شیطان است. تا معجزه واقعی قرن کامپیوتر را از مردم دور نگهدارد. در واقع مسلمانانی که معجزه ریاضی نوزده را رد میکنند دقیقا طبق نقشه شیطان کار میکنند.

جادو فقط روی کسانی تاثیر دارد که به آن اعتقاد دارند

جادو منع شده است . زیرا جادو به کمک شـیاطین انجـام میشـود. شـیاطین هیچوقت هدف خوبی ندارند. هیچوقت نمیتوان به آنان اعتماد کرد. کسانی کـه به خدا پناه می برند ، جادو روی آنان تاثیر ندارد. اما کسانی که بـه آن اعتقـاد دارند ، خود را در اختیار شیاطین و اجنه قرار می دهند. به قول معروف آدمـی از هر چی که بترسد ، بر سرش میاد.

[2:102] آنها آنچه را که شیاطین دربارهٔ سلطنت سـلیمان تعلـیم دادنـد، دنبال کردند. گرچه سلیمان کافر نبود، ولی شیاطین کافر بودند. آنها به مـردم جادوگری و آنچه را که توسط دو فرشتهٔ بابل، هاروت و ماروت فرستاده شـد، تعلیم دادند. آن دو چنین دانشی را ابراز نکردند مگر آنکه گوشزد کننـد کـه: "این یک امتحان است. از این دانش سوء استفاده نکنید." اما مردم از آن برای حیله های شیطانی مانند برهم زدن ازدواجها استفاده کردند. آنها هرگـز نمـی توانند برخلاف خواست خدا به کسی آسیبی برسانند. درواقع، آنها چیزی را یاد می گیرند که به ضرر آنهاست، نه چیزی که به نفع آنها باشد و آنها به خوبی می دانند که هر کس طلسم و جادو به کار بندد، در آخرت سهمی نخواهد داشـت. درواقع، آنها نفس خود را به بد چیزی می فروشند، اگر فقط می دانستند.

فطرت انسانی

[۷:۱۷۲] به یاد آور که پروردگارت تمام نواده های آدم را احضار کرد و آنهـا را بر خودشان شاهد گرفت: "آیا من پروردگار شما نیستم؟" همه گفتند: "بله. ما شهادت می دهیم." بنابراین، شما روز رستاخیز نمی توانید بگویید: "ما از این اطلاع نداشتیم."

در خلال زندگی خدا رسولان و کتابهایی میفرستند تا ما را به سمت خدا هدایت کنند. خدا به همه انسانها فطرت خداپرستی داده است که به جنها نداده است. اما به جنها طول عمر بیشتری داده است و آنها در عوض فرصت بیشتری بـرای برگشت به سمت خدا دارند. جنها فطرتا شیطان پرست به دنیا مـی آینـد. امـا انسان خدا پرست به دنیا می آید.

پدر ، الرحمن

آن کسی که ادعا داشت صاحب عرش خواهد شد شیطان بـود .شـیطان فکـر میکرد میتواند مثل الرحمن عرش را بچرخاند.

((تو، شیطان، در دلت گفتی: "من بهشت را درجه بندی خـواهم کـرد. بـالای ستارگان خدا. من تخت سلطنت خود را قرار خـواهم داد. بـر تخـت سـلطنت جلوس خواهم کرد، روی کوه جماعت، در تو رفتگی های شمال. من بـر بـالای ابرها صعود خواهم کرد؛ من مانند بلندمرتبه ترین خواهم بود" [اشـعیا ۱۵-۱۳:۱۴]))

الرحمن مهمترین اسم خداست که تمام پیامبران ، خـدا را بـا آن میخواندنـد. ابراهیم ، موسی ،عیسی ، مریم ، همگی خـدا را الـرحمن میخواندنـد. در ایـن زمینه میتوانید سوره مریم را نگاه کنید کـه بیشـترین تعـداد الـرحمن در آن استفاده شده است . الرحمن در جامعه مسیحیت بعدا طی جریانات تاریخی بـه پدر الرحمن و بعدا طی ترجمه های غلط به پدر بدل شد. بنابراین پـدر همـان تغییر یافته الرحمن است.همانطور که همه میدانیم ما موظفیم قرآن را با اعـوذ

بالله من الشیطن الرجیم شروع کنیم (۱۶:۹۸) در عین حال تمام قرآن با بسم الله الرحمن الرحیم شروع میشود و این دو صفت متضاد با هم را نشان میدهد.

الرحمن الرحیم و الشیطن الرجیم.

و این خود نشان میدهد که خلیفهٔ در آیه ۲:۳۰ به الشیطن و حزبش اشاره دارد که برضد قوانین الرحمن عمل میکنند.زیرا که فساد و خونریزی برخلاف قوانین الرحمن است و این یعنی قوانین شیطان.

[۱۹:۴۴] یابت لا تعبد الشیطن ان الشیطن کان للرحمن عصیا
[۱۹:۴۴] "ای پدر من، شیطان را پرستش نکن. شیطان علیه آن بخشنده ترین شورش کرده است.

شورش علیه خدا همچنان در اقصی نقاط جهان ادامه دارد

[39:45] هنگامی که فقط نام خدا برده شود، قلب های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، با بیزاری می گیرد. اما هنگامی که نام دیگران در کنار او برده شود، راضی می شوند.*

خیلی از مسلمانان ، زمانی که اسم مقدسین خویش را ذکر میکنند ؛ کلی القاب و عناوین بدرقه اسم آنان میکنند ؛ کلی سلام و صلوات بر آنان ذکر میکنند ؛ اما وقتی نام خدا را ذکر میکنند ، خیلی راحت میگویند "خدا". کمتر جایی نام خدا را به تنهایی بدون نام مقدسین خویش ذکر میکنند. در اکثر موارد اسامی محمد و علی را بغلش می اندازند. این یک آزمایش مهم است. آزمایش از این

مهمتر وجود ندارد. شما از آنها بخواهید که فقط یک روز اسم غیر خدا را برزبان نیاورند. اسم محمد و علی و حسین و فاطمه را بر زبان نیاورند. این یک آزمایش الهی است. ای برادران و خواهران ، فریب شیطان را نخورید. شیطان بزرگترین دشمن شماست. پس شما هم دشمن او باشید و به وسوسه هایش گوش نکنید. شیطان مثل فردی است که دچار بیماری خطرناکی شده است ، شیطان راه علاجی ندارد بنابراین میخواهد شما را هم با خودش به چاله جهنم بکشاند. او میخواهد که شما اسم محمد و علی را در کنار اسم خدا قرار دهید. شهادت یکی است و آن هم اشهد ان لا اله الا الله. شهادتین اشتباه است. فقط یک شهادت وجود دارد و آن هم شهادت به یگانگی خدای متعال است.

گناه اصلی

برخلاف عموم ، خوردن از درخت ممنوعه توسط آدم و حوا گناه اصلی نبود. گناه اصلی این بود که ما در آن نزاع آسمانی نتوانستیم با قاطعیت پای این تصمیم خود بایستیم که فقط خدا شایسته مقام قدوسی است. فقط خداست که همه صداها را میشنود. فقط خداست که میتواند نیازهای ما را فراهم سازد. فقط خداست که میتواند بچه های ما را شفا دهد. فقط خداست که باید از او درخواست شود. فقط خداست که از رگ گردن به ما نزدیکتر است. فقط خداست که ...

شکر و ستایش خدا

شکر و ستایش خدا جنبه زیبای زندگی این دنیا را تشکیل می دهد. کسانی که

شکر خدا را انجام می دهند. خدا بیشتر آنان را مورد فضل خود قرار می دهــد. خدا به آنها بیشتر می دهــد. اگــر تقــویم ایــران را نگــاه کنیــد. اکثــر روزهــا مناسبتهای مخصوصی دارند ؛ روزهــای وفــات مقدســین ، ولادت مقدســین ، روزهای سیاسی و ... هیچکدام از روزها مــال خــدا نیســت. هــیچ روزی بــرای شکرگذاری از نعمتهای خدا تعیین نشده است. چرا نبایــد در ۳۶۵ روز ، چنــد روز به خدا اختصاص یابد. چند روز برای شکرگذاری از خدا. چرا روزهای ســال همه اش به غیر خدا اختصاص یافته است. آیا این دور شدن از خدا نیست؟! آیا این باعث نمیشود که عذاب خدا به ملت ایران نزدیک شود و باعث نابودی آنها شود؟

سن چهل سالگی

[46:15] ما به انسان سفارش کردیم تا به والدین خــود احتــرام بگــذارد، مادرش با دشواری او را حمل کرد، با دشواری او را به دنیا آورد و به مدت ســی ماه صمیمانه از او مراقبت کرد. هنگامی که او به بلوغ فکری برسد و چهل ساله شود،* باید بگوید: "پروردگار من، مرا راهنمایی کن تا شکر نعمت هایی را کــه بر من و بر والدینم عطا کرده ای، به جا آورم و اعمال پرهیزکارانه ای کــه تــو را خوشنود سازد، انجام دهم. بگذار فرزندانم نیز پرهیزکار باشند. من به درگاه تو توبه کرده ام؛ من یک تسلیم شده هستم.

اگر فردی در سن زیر چهل سالگی بمیرد ، وارد بهشت زیرین خواهد شد. ایـن رحمت خدا شامل همه انسانها میشود. همانطور که گفته شد ، با تولد هر نـوزاد انسان ، یک جن همزاد هم متولد خواهد شد. جن همزاد نماینـده ایـده هـای شیطانی است. روح جن همـزاد و روح فـرد مـدام در طـول زنـدگی مشـغول مشاجره هستند تا اینکه بالاخره به یک ایده مشترک برسند. اگر ایده مشترک شرک باشد ، هر دو وارد جهنم میشوند.

اما بعضی از مواقع روح جن همزاد بسیار شرور تـر از روح فـرد اسـت.در ایـن حالت روح فرد زیاد بد نیست و شایستگی بهشت را دارد اما روح فرد توانـایی اقناع جن همزاد را ندارد. در چنین حالتی خدا فرد را زیر چهـل سـالگی مـی میراند و او را وارد بهشت میکند. زیرا فرد شایستگی بهشت را دارد. امـا اگـر فرد شایستگی بهشت را نداشته باشد ، در این حالت خدا نمیگذارد فـرد زیـر چهل سالگی بمیرد. بنابراین افراد زیر چهل سال که براثر زلزله ، سیل و ... مـی میرند ، مستقیم وارد بهشت زیرین خواهند شد. ایـن مـورد از رحمـت خـدا ، آنقدر جالب است که کمتر کسی بدون کنجکاوی از آن می گذرد. اما افرادی که بالاتر از چهل سال می میرند ، بسته به مقدار تزکیه نفس و اعمال صـالحه ، در دادگاه خدای متعال وارد بهشت یا جهنم خواهند شد.

برای توضیح بیشتر دو مثال ذکر می کنم. فـردی در امریکـا بـه اسـم رابـرت تئودور باندی جنایتهای هولناکی کرده بود. در سن ۳۴ سالگی دسـتگیر شـد. برای او حکم اعدام صادر شد. اگر در این سن اعدام می شـد ، مسـتقیم وارد

بهشت می شد. اما براساس خواست خدا پرونده او در دادگاه نزدیک به ۸ سال عقب افتاد. به این طریق در سن ۴۲ سالگی اعدام شد. زیرا او شایستگی بهشت را نداشت. بنابراین خدا نگذاشت که او زیر چهل سالگی بمیرد. همه چیز دست خداست و تحت کنترل اوست. مثال دیگر مربوط به ایران است. یکی از فوتبالیستهای مشهور بعد از چندین سال زن دوم گرفته بود. زن دوم براثر حسادت ، زن اول این فوتبالیست را می کشد. این اتفاق در سن ۳۳ سالگی زن دوم اتفاق می افتد. اما پرونده او نزدیک به چندین سال در دادگاه معوق می ماند. تا اینکه در سن ۴۱ سالگی حکم اعدام او اجرا می شود. به این ترتیب زن اول که بی گناه بوده است ، در زیر سن چهل سالگی توسط زن دوم کشته شده است و مستقیم به بهشت می رود ، اما زن دوم بالای چهل سالگی اعدام می شود. خدا حکیم است و مهربان ترین. او می داند که کی باید به بهشت برود و کی نباید به بهشت برود.

بهشت برین و بهشت زیرین

کسانی که زیر چهل سالگی بمیرند ، بدون استثناء وارد بهشت زیرین خواهند شد. زیرا روح آنان به اندازه کافی رشد نکرده است. بهشت برین به کسانی تعلق دارد که به اندازه کافی روح و نفس خویش را پرورش داده باشند ، زیرا در بهشت برین مستقیم با خدا در ارتباطند. اما کسانی وارد بهشت زیرین می شوند که به علت کمی سن و عدم پرورش نفس به اندازه کافی ، توانایی تحمل مستقیم نور پروردگار را ندارند. بهشت زیرین و بهشت برین تفاوتهای زیادی

دارند که در زیر به چندین مورد اشاره می شود. تمام تفاوتها در سوره الرحمن ذکر شده است.

- **در بهشت برین آب و انواع نوشیدنیها به وفور یافت مــی شــود و همه چیز در جریان است. اما در بهشت زیرین باید خــود فــرد بــا تلاش بوسیله تلمبه آب از زمین بیرون بکشد.**
- **در بهشت برین همسران بهشتی فورا به افراد تعلق می پذیرد. امــا در بهشت زیرین باید افراد خود بروند و همسر بیابند.**
- **در بهشت برین خورشید و ماه وجود ندارد زیــرا جــایی کــه خــدا حضور فیزیکی دارد ، نیازی به این اجسام نیســت. امــا در بهشــت زیرین خورشید وجود دارد. زیرا خــدا در بهشــت زیــرین حضــور مستقیم ندارد.**

نوع ۱- بهشت برین : خصوصیات آن در آیه های زیر بیان شده است که خدای بخشنده به دو بهشت برین اشاره کرده است (جنتان) زیرا که یکی برای جنها و یکی برای انسانهاست.

[۵۵:۴۶] ولمن خاف مقام ربه جنتان

[۵۵:۴۸] ذواتا افنان

[۵۵:۵۰] فیهما عینان تجریان

[۵۵:۵۲] فیهما من کل فکهۀ زوجان

[۵۵:۵۴] متکءین علی فرش بطائنها من استبرق وجنی الجنتین دان

[۵۵:۵۶] فیهن قصرت الطرف لم یطمثهن انس قبلهم ولا جان

[۵۵:۵۸] کانهن الیاقوت والمرجان

[۵۵:۴۶] دو باغ برای کسانی که شکوه و جلال پروردگارشـان را حرمـت مـی نهند (یکی برای جنیان و دیگری برای آدمیان).

[۵۵:۴۸] سرشار از روزی ها.

[۵۵:۵۰] در آنها دو چشمه روان است.

[۵۵:۵۲] در آنها از هر میوه ای، دو نوع.

[۵۵:۵۴] در حالی که روی مبلمان هایی از ساتن تکیه داده انـد، میـوه هـا در دسترس هستند.

[۵۵:۵۶] هرگز دست هیچ انسان یا جنی به جفـت هـای زیبایشـان نرسـیده است.

[۵۵:۵۸] آنها همانند گوهر و مرجانند.

نوع ۲- بهشت زیرین : خصوصیات بهشت زیرین هم در آیات زیـر ذکـر شـده

است خدای مهربان به دو بهشت زیرین اشاره کرده است (یکی بـرای جنهـا و یکی برای انسانها)

[۵۵:۶۲] ومن دونهما جنتان

[۵۵:۶۴] مدهامتان

[۵۵:۶۶] فیهما عینان نضاختان

[۵۵:۶۸] فیهما فکهۀ ونخل ورمان

[۵۵:۷۰] فیهن خیرت حسان

[۵۵:۷۲] حور مقصورت فی الخیام

[۵۵:۷۴] لم یطمثهن انس قبلهم ولا جان

[۵۵:۷۶] متکءین علی رفرف خضر وعبقری حسان

[۵۵:۶۲] زیر آنها دو باغ است (یکی برای جنیان و دیگری برای آدمیان).

[۵۵:۶۴] در کنار یکدیگر.

[۵۵:۶۶] در آنها چاه هایی است که با پمپ استخراج می شوند.

[۵۵:۶۸] در آنها میوه ها، نخل های خرما و انار موجود است.

[۵۵:۷۰] در آنها جفت های زیبایی هستند.

[۵۵:۷۲] در خیمه ها نگاهداری شده اند.

[۵۵:۷۴] هرگز دست انسان و یا جنی به آنها نرسیده است.

[۵۵:۷۶] آنها روی فرش های سبز، در محیطی زیبا استراحت می کنند.

چگونگی بهشت برای ما قابل درک نیست به همین دلیل ما احتیاج به مثال داریم . و این فقط یک نوع تشبیه است.اختلافات بسیاری بین بهشت برین و زیرین وجود دارد. اختلافاتی هم که خدا ذکر کرده است فقط یک نوع مثال است. مثلا در بهشت برین آب به وفور جریان دارد (۵۵:۵۰) در حالی که در بهشت زیرین آب را باید به وسیله تلمبه استخراج کرد (۵۵:۶۶).

همسران پاک فورا در بهشت برین به افراد بهشتی تعلق میگیرند (۵۵:۵۶) اما ساکنین بهشت زیرین باید خودشان بروند و همسر برای خود بیاورند (۵۵:۷۲). هر چند که وصف بهشت در گنجایش ذهن ما نیست اما تقریبا من اینطوری فهمیدم که بهشت زیرین شبیه تر به این دنیاست زیرا که افراد زیر چهل سال وارد بهشت زیرین خواهند شد و برای بدست آوردن هر چیزی باید تلاش هم از خود نشان دهند ؛ مثلا برای انتخاب همسر باید تلاشی هم بکنند و یا برای استفاده آب باید آب را استخراج کنند اما در عوض در بهشت برین همه چیز آماده است. با وجود اینها بهشت زیرین هم خود غنیمت است. زیرا فردی که اینقدر خوشبخت باشد و وارد بهشت زیرین شود و از عذاب دردناک جهنم برای همیشه رهایی یابد ،باید خیلی هم خدا را شکر کند که وارد جهنم نشده

است.

چرا نباید از کسی به جز خدا درخواست کمک کرد؟

روح ما در این دنیا تحت تاثیر دو نیروی متفاوت قرار می گیرد. یکی نیروهـای خدا که ملائکه هستند. ملائکه ها در تقسـیم رزق و روزی و بـاران و ... بـه مـا انسانها یاری می رسانند. بعضی از ملائکه هـم خاصـتا مـومنین را یـاری مـی رسانند مثل یاری رساندن مومنین در جنگ بدر. اما در آسـمان طبقـه یـک ، یعنی آسمانی که ما در آن به سر می بریم ، نیروهای شیطانی هم به وفور یافت می شوند. نیروهای شیطانی همان اجنه هستند کـه تـابع شـیطان هسـتند و شیطان را به عنوان خدای خود برگزیده اند. نیروهـای شـیطانی در فریـب مـا انسانها می کوشند. ما هیچکدام را نمی بینیم. اما واقعا این دو نیرو موجودنـد. خدای قادر متعال بارها در قرآن هشدار می دهد که باید کسـی را خوانـد کـه صدای ما را بشنود. کسانی که مرده اند نمیتوانند صدای ما را بشنوند.

[۴۶:۵] ومن اضل ممن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له الى يـوم القيمـة وهم عن دعائهم غفلون

[۴۶:۵] کیست گمراه تر از آنان که معبودانی را در کنار خدا می خوانند که آنها تا روز رستاخیز نتوانند پاسخشان دهند، و آنان از عبادات آنهـا بـه کلـی بـی خبرند؟

یک اصل را به یاد داشته باشید. این اصل از آیات قرآنی بدست می آید. مـدعو

غیبی را نباید خواند. خواندن مدعو غیبی شرک محض است. مدعو غیبی یعنی کسی که از وضع ما بیخبر است. به طور مثال پیامبر محمد حالا مرده است. پس دیگر نمیتوان از او سوال کرد. دیگر نمیتوان از او خواست که شما را راهنمایی کند. باتوجه به اینکه وظیفه پیامبر محمد فقط ابلاغ پیام بود ، در زمان حیاتش میتوانستی پیشش بروید و از او راهنمایی بخواهید. از آنجا که او در آنموقع زنده بود و میتوانست جواب بدهد ، پس او در زمان حیاتش میدانست که چطوری با مسائل پیش آمده برخورد کند. اما بعد از مرگ به یک مدعو غیبی تبدیل شده است و نمیتوان از او راهنمایی خواست. البته کارهایی مثل شفای بچه ها که فقط کار خداست ، را هم در زمان زنده بودنش نمیتوانستی از او بخواهید و اگر هم چنین چیزی از او می خواستید ، او توانایی جواب دادن را داشت و میدانست که چطوری جواب گوید و با این درخواست شما چطوری برخورد کند. شفای بچه ها فقط کار خداست. برای تشریح بیشتر موضوع یک مثال عرض می کنم. موسی به مدت چهل روز به کوه طور رفت. در این مدت بنی اسرائیل گمراه شدند و هارون نتوانست از موسی برای هدایت و راهنمایی بنی اسرائیل کمک بخواهد زیرا موسی از حال و وضع آنها بی خبر بود و به همین خاطر در آنموقع موسی برای بنی اسرائیل مدعو غیبی بود. به همین خاطر موسی نتوانست در آن چهل روز در هدایت بنی اسرائیل تاثیری داشته باشد. فقط زمانی که برگشت توانست قضیه را حل کند. این نشان می دهد که موسی تا زمانی که بین بنی اسرائیل نبود ، مدعو غیبی به حساب می

آمده است و دقیقا به همین خاطر خواندن مدعو غیبی شـرک اسـت چـون در اساس بیفایده و بیهوده است . داستان ماجرا در سوره طه و قصص ذکـر شـده است.

تمام این مثالها ثابت میکنند که مدعو غیبی قابل خواندن نیست و هیچ کـاری برای انسان انجام نمیدهد و کمک خواستن از مدعو غیبی کـار بیهـوده و بـی اساسی است. آیات زیر به وضوح نشان میدهد که مشکل اصلی مشرکین صدر اسلام خواندن مدعوغیبی بوده است. اما خدا مدعو غیبی نیست بلکه خدا همه جا با ماست و از رگ گردن به ما نزدیکتر است و صدای ما را می شنود و به مـا جواب می دهد.

[۱۳:۱۴] له دعوة الحق والذین یدعون من دونه لا یسـتجیبون لهـم بشـیء الا کبسط کفیه الی الماء لیبلغ فاه وما هو ببلغه وما دعؤا الکفرین الا فی ضلل

[۱۳:۱۴] هرگونه دعا و درخواست جز به درگاه او جایز نیسـت، در حـالی کـه معبودانی که در کنار او قرار می دهند و از آنها درخواست می کنند، هرگز نمی توانند پاسخ دهند. بنابراین، آنها مانند کسانی هستند که دسـتان خـود را بـه سوی آب می گشایند، ولی چیزی به دهانشان نمـی رسـد. دعـا و درخواسـت کافران بیهوده است.

[۱۰:۶۶] الا ان لله من فی السموت ومن فی الارض وما یتبع الذین یـدعون مـن

دون الله شرکاء ان یتبعون الا الظن وان هم الا یخرصون

[۱۰:۶۶] مسلما، هر که در آسمان ها و هر که در زمین اســت، از آن خداســت. کسانی که غیر خدا را می خوانند، به او شرک آورده اند و درواقــع پیــرو هــیچ هستند. آنان فقط گمان می کنند که پیرو چیزی هستند. آنها فقط حدس مــی زنند.

درک واقعی از شرک و بت پرستی

موجودیت انسان خیلی راحت فریب شیطان را مــی خــورد. شــیطان براحتــی انسان را بدون اینکه خود انسان احساس کند ، گمراه مــی کنــد. شــرک تنهــا گناهی است که بخشودنی نیست. خدای مهربان میفرماید که به مال دنیا آنقدر دلخوش نکنید که منجر به شرک شود. آیه ۴۲ سوره کهف داستان کسی است که آنقدر به باغش مشغول و دلبسته بود که خدای خود را فرامــوش کــرد و در آخر کار که باغش سوخت گفت ای کاش برای خدای خود شریک قائــل نشــده بودم.

[۱۸:۴۲] واحیط بثمره فاصبح یقلب کفیه علی ما انفق فیها وهی خاویــۀ علــی عروشها ویقول یلیتنی لم اشرک بربی احدا

[۱۸:۴۲] بی گمان، محصولاتش همه از بین رفت و غم و اندوه او را فرا گرفــت. اکنون که ملکش بایر شده بود، از آنچه که بیهوده در آن خرج کرده بود، لابه و زاری می کرد. و سرانجام گفت: "ای کاش هرگز ملکم را همچون خدا در کنــار

پروردگارم قرار نمی دادم."

زیرا او به باغش اطمینان کرده بود ، او به این موضوع که باغش موقعیت او را تضمین می کند دل خوش کرده بود. او صفتی به باغ خویش داده بود که فقط خدا آن صفات را داشت. خیلی از مردم به اشیاء مادی دلخوش می کنند و با عبارت ساده تر به آن اشیاء توکل می کنند. به همین خاطر وقتی باغ طی یک حادثه از بین میرود ، از نظر روانی ضربه مهلکی می خورند. زیرا آنان از شیء ی که به آن دلخوش کرده بودند انتظار آرامش داشتند. اما یک واقعیت دنیوی را باید مد نظر داشت و آن این است که آرامش در غیر خدا یافت می نشود. به همین جهت خدای حکیم میفرماید:

[۴:۳۶] واعبدوا الله ولا تشرکوا به شیءا وبالولدین احسنا وبذی القربی والیتمی والمسکین والجار ذی القربی والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبیل وما ملکت ایمنکم ان الله لا یحب من کان مختالا فخورا

[۴:۳۶] شما باید فقط خدا را بپرستید- هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید. باید والدین، خویشاوندان، یتیمان، تهیدستان، همسایه خویشاوند، همسایه بیگانه، همکار نزدیک، مسافر غریب و خدمتکارانتان را در نظر داشته باشید. خدا متظاهران متکبر را دوست ندارد.

خیلی از مردم تصور درستی از شرک ندارند ؛ فکر می کنند که وقتی یک کسی و یا چیزی شریک خدا قرار داده می شود ، که آن چیز و یا فرد را خدا

بنامید. این تصور نادرست است. همانطور که در آیه ۴۲ سوره کهـف دیدیـد ، فردی که باغش سوخت ، در نهایت تاسف خورد و گفت ای کاش هرگز ملکم را همچون خدا در کنار پروردگارم قرار نمی دادم (یلیتنی لم اشرک بربی احدا) . فرد باغدار هیچوقت صراحتا نمی گفت که این باغ خـدای مـن اسـت. بلکـه توقعی که او از باغ داشت باعث شد که باغ به یک الهه برای او تبدیل شـود. او توقع داشت که آن باغ او را تضمین کند. او باغ را آنقدر دوست داشت که خدا را از یاد برده بود. او به جای خدا ، باغ را تکیه گاه خویش قـرار داده بـود ، بـه همین خاطر بدون اینکه خود بداند ، خدای دیگری برای خـود برگزیـده بـود. برای یک فرد هرچیزی ممکن است به یک الهه تبدیل شود. اگر شما آنقدر بـه خانه ات دلخوش کرده اید ، که کل زنـدگی خـویش (روابـط – مهمـانی هـا – دوستی ها – زن گرفتن – شوهر کردن و ...) را براساس آن طراحی کـرده ای ؛ در این حالت خانه ات را به شریک خدا بدل کرده ای. اگر یک روزی خانـه را از دست دهید ، تمام اصول ساخته شده در ذهنت خراب خواهنـد شـد و ضـربه مهلکی خواهید خورد. هیچ مسلمانی دوست ندارد که مشرک باشد. اما شیطان دست بردار نیست. شیطان میخواهد که انسان به چیزهای دیگری غیر از خـدا تکیه کند. شیطان با همین حیله آدم و حوا را از بهشت بیرون کرد. او بـه آنهـا وسوسه کرد که درخت ممنوعه آینده را تضمین میکند. در حالی که واقعا فقط خدا آینده را تضمین میکند اما باور کردن این موضوع آدم و حـوا را از بهشـت بیرون کرد. شیطان صفتی را به درخت ممنوعه داد که در درخت ممنوعه نبود.

شیطان وعده دروغ داد. باور کردن این موضوع که چیزی و یا کسی غیر از خدا میتواند به شما آرامش دهد ، شرک است. کسی که به آرامش حاصل از مصرف الکل عادت کرده است ، خودبخود الکل را الهه خود قرار داده است. شرک فقط مربوط به اشیاء مادی نیست. بلکه شخصیتهای انسانی و مقدس هم میتوانند شریک خدا قرار داده شوند. همانطور که فرد باغدار به باغش دلبسته بود ، همانطور هم خیلی از مردم به مقدسین خویش دلخوش کرده اند. حتی بعضی از آنان از مقدسین خویش تقاضای کمک میکنند و در سختی ها و خوشی ها از آنان کمک می خواهند. این یعنی دلخوش کردن و توکل کردن به مقدسین. این دقیقا یعنی شرک. هیچکدام از افرادی که اینکار را میکنند ، معتقد به شرک عمل خویش نیستند. ولی چه کار می شود کرد که خدا قول داده است که جهنم را از انسانها و جنها پر کند.

چرا شرک ظلم بزرگی است نسبت به خدای عالمیان؟

خواندن مدعو غیبی شرک است. این موضوع مفهوم گسترده تری دارد. دلیل اصلی و اساسی که خواندن مدعو غیبی شرک است این است که مردم به آن مدعوها صفاتی نسبت می دهند که در آنها نیست. و در اصل می بایست آن صفات را به خدا نسبت می دادند. کسانی که از مقدسین و پیامبران به جای خدا کمک میخواهند ، صفات خاصی را به مقدسین خویش نسبت داده اند. از جمله :

- مقدسین صدای آنان را می شنوند و صدای هزاران زائر دیگر را همزمان
- نیات باطنی افراد و میلیونها زائر را درک می کنند
- به همه این نیات و درخواستها در طول روز جواب می دهند

این صفات فقط مخصوص خداست. اگر کسی چنین صفاتی را در غیر خدا جستجو کند ، یعنی شریک برای خدا قائل شده است. آدم و حوا به درخت ممنوعه نزدیک شدند ، زیرا میخواستند که به خواسته ها و آرزوهای خویش برسند. در حالی که درخت ممنوعه فقط سراب بود و چنین خاصیتی نداشت و نمیتوانست آرزوها و خواسته های آنان را برآورده کند. به همین خاطر مشرک شدند و از بهشت رانده شدند. در واقع شیطان همیشه وعده دروغ می دهد و خاصیتهایی را برای اشیاء و افراد می تراشد که در آنها نیست و مردم را به سمت آن خاصیتها دعوت میکند. مثلا به مردم القا می کند که مواد الکلی و مخدر دارای خاصیت آرامش دهنده هستند. در حالی که واقعا چنین خصوصیتی در آنها نیست و فقط یک خوشی ظاهری است . کسی که خوشی و آرامش را در این وسوسه ها جستجو کند ، علنا شریک برای خدای متعال قائل شده است و مهمتر از همه دعوت شیطان را قبول کرده است. کسی که دعوت و پیشنهاد شیطان را قبول کند ، علنا نسبت به خدای خویش ظلم کرده است و عهد و پیمان خدا را زیر پا گذاشته است.

[۳۱:۱۳] واذ قال لقمن لابنه وهو یعظه یبنی لا تشرک بالله ان الشرک لظلم

عظیم

[۳۱:۱۳] به یاد آور که لقمان در حالی که پسرش را اندرز مـی داد، گفـت: "ای پسرم، هیچ معبودی را در کنار خدا قرار نده؛ شرک بی عدالتی بســیار بزرگــی است."*

زندگی جهنمی

الا بذکرالله تطمئن القلوب – فقط با یاد خدا دلها آرام می پذیرد

ما آدمها در هر موقعیتی که باشیم ، چه ثروتمند باشیم و چه فقیــر ، میتــوانیم زندگی خود را در این دنیای فانی مثل جهنم بگذرانیم یا مثل بهشت بگذرانیم. یکی از خصوصیات زندگی بهشتی ، آرام بودن جانهاست (لایحزنــون). زنــدگی جدید با تکنولوژی جدید پر است از استرس و نگرانی و حرص و جوش.

طمع ، حرص و جوش از صفات شیطان اســت. هــر کســی در زنــدگی دنیــایی خویش این صفات را با خود همراه کند ، همراه شــیطان شــده اســت و بعــد از مدتی خود را دچار مریضی کرده و از بین می برد. کسی که نتواند در این دنیــا از صفات شیطانی رهایی یابد ، در آن دنیا هم نمیتواند وارد بهشت شود.

در ذهن هر کسی یک جای خاصی وجود دارد که فقط باید مخصوص خدا باشد.

اگر کسی و یا چیزی غیر از خدا را در آن قرار دهی ، برای بدست آوردنش یا از دست دادنش ، حرص و جوش و طمع و غم و نگرانی و خودزنی به سراغت مـی آید. در این نقطه از ذهن نباید کسی به جز خدای قادر متعال قرار گیـرد. ایـن مکان بالاترین نقطه و مهمترین نقطه ذهن آدمی است. هـیچ چیـز در زنـدگی شما نباید بالاتر از خدا باشد. همسر ، فرزندان ، پدر و مادر و سایر افراد عزیـز شما به هیچ وجه نباید در چنین جایی قرار گیرند. بالاترین مکـان قلـب و دل شما باید مال خدا باشد. با تمام دل و وجود خود ، خدا را دوست داشته باشیم و در تمام لحظه های روز مدام خدا را به خاطر بیاوریم. مـدام بزرگـی و قداسـت خدا را به یاد بیاوریم. اگر میخواهیم گناهی را انجام ندهیم ، به خاطر خدا آن را انجام ندهیم ، نه به خاطر نزدیکانمان. در این حالت زندگی ما ، زنـدگی آرامـی خواهد بود . الا بذکر الله تطمئن القلوب. فقط و فقط با یاد خدا (تنها) دلهـا آرام می گیرد.

نا امیدی مطلق

بر طبق آیات قرآنی ، کسانی که در جهنم به سر می برند نمی تواننـد بـا خـدا ارتباط برقرار کنند و کلماتشان به خدا نمـی رسـد. بلکـه بـه جـای خـدا ، از نگهبانان دوزخ کمک می خواهند.

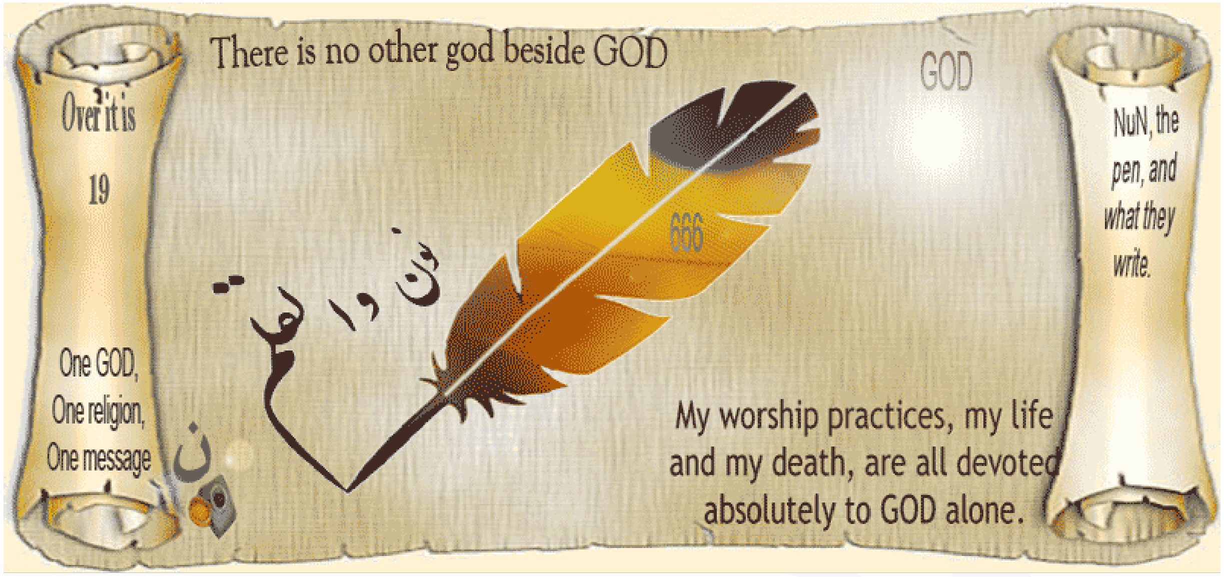
[23:108] او خواهد گفت: "با ذلت و خواری در آن به سر برید و با من سـخن نگویید."

[43:77] آنها التماس خواهند کرد: "ای مالک، بگذار پروردگارت ما را از بـین ببرد." او خواهد گفت: "شما تا ابد می مانید.



همانطور که می بینید کلمات دوزخیان به خدا نمی رسد. یعنی از نظر روحی در شرایطی به سر می برند که نمی توانند خدا را بخوانند و نمـی تواننـد از خـدا کمک بخواهند. در نا امیدی مطلق به سر می برند. البته خیلی از انسانها هم در زندگی فعلی ، شبیه شرایط جهنم را در این دنیا برای خود ایجاد کرده اند. بـه همین خاطر خدا می فرماید که نباید از رحمت خدا نا امید شد . نا امیدی ، خود کفر مطلق است. کسی که نا امید باشد ، زندگی خود را نابود می کند و شرایطی

شبیه به جهنم برای خود ایجاد می کند. نا امیدی در ایــن دنیــا و جهــنم یــک فرقی با هم دارند. در جهنم نا امیدی اجباری و همیشگی است. اما در این دنیــا خود فرد انتخاب میکند و می تواند نا امید نباشد. به همین خاطر کسی کــه در این دنیا برای خویش جهنم بیافریند و این وضعیت مدام ادامه یابد ، در جهــان آخرت هم نمی تواند وارد بهشت شود و او نمی تواند از جهنمی که بــرای خــود آفریده است نجات یابد. خدای قادر مطلق ، مهربان و رحمان و رحیم اســت. او در رحمت خویش را بر روی همه ما گشوده است. اما این درگاه رحمت فقط تــا پایان این جهان است و بعد از قضاوت ، این در بسته خواهد شد. دیگــر کســی نمی تواند از خدا کمک بخواهد. شرایط روحی و جسمی در قیامت ، طلب کمک از خدا را ممنوع کرده است. عذاب و زجر برای همیشه حکم فرما خواهد بــود. به همین خاطر باید زندگی این دنیای فانی را فرصت دانست و باید از خدا طلب بخشش کنیم. باید مستقیم از خــدا بخــواهیم ، بــدون هیچگونــه واســطه ای. مستقیما از خود خدا. خدا خودش می فرماید که او از رگ گردن بــه بنــدگانش نزدیک تر است. این فرصتی است که به ما داده شــده اســت. از ایــن فرصــت استفاده کنیم. در جهنم دیگر چنین فرصتی وجود ندارد. ای خدای مهربان مــا را از عذاب خوار کننده جهنم دور نگهدار.


There is no other god beside GOD
GOD
Over it is
19
One GOD,
One religion,
One message
NuN, the
pen, and
what they
write.
666
My worship practices, my life
and my death, are all devoted
absolutely to GOD alone.